

Original Paper

An allegorical comparison of the poems of Kasdak Mehdi Akhwan sales, Taqi Motaqi, Mahmoud Kianoush and Sa'i Al Barid Blandal Haidari

Sara Vosoughiyan¹, Jalil Nazari^{2*}, Mohammad Hadi Khaliqzadeh³

Abstract

Dandelion is a symbol and allegory of loyalty, honesty and happiness, sending messages and good news. Since many common aspects can be found between Persian and Arabic poems; The present study was written with the aim of comparing the allegorical poems of Ghasdak Mehdi Akhwan salesl, Taghi Motaghi, Mahmoud Kianoush, contemporary Iranian poets and Sae Al Barid Blandheidari, a well-known Iraqi poet. The issue in question is what parables the mentioned poets have included in their Dandelion poems. After the review, the author noticed similarities and differences in the Dandelion poems of the poets in question, which is considered one of the reasons for the accuracy and importance of its analysis to know what symbols and allegories the contemporary Iranian and Arab poets use in their Dandelion poems. The present writing is completely original and original, and no writing has been written in this regard so far. Therefore, this research has been done by using the library method and examining the poems of these poets in an analytical and confirmatory way, so that the researcher knows if the poem of Ghasadak Akhwan Tahal, Taqi Motaqi, Mahmoud Kianoosh, Iranian poets, and Sai Al Barid Blandal Haidari, an Iraqi poet, used allegory. has it been Are allegories and their functions in the poems of these poets the same or different? The findings of the research indicate that the simile used of the dandelion in the poets' poems is different, And none of them carry the same news.

Akhwan, Taqi Motaqi and Blandal-Haydari consider it a simile of a depressed and hopeless person, unlike the obvious symbol of the dandelion, i.e. good news.

Key words: Akhavan sales, Taghi Motaghi, Mahmoud Kianoosh, Bland Al-Haydari, Tamtheel.

1- Ph.D. student of Persian language and literature, Yasouj Branch, Islamic Azad University, Yasouj, Iran. Vesog1394@gmail.com.

2- Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Yasouj Branch, Eslay Azad University, Yasouj, Iran. Gnazary0034@gmail.com.

3- Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Yasouj Branch, Islamic Azad University, Yasouj, Iran. asatirpars@yahoo.com

Please cite this article as (APA): Vosoughiyan, Sara, Nazari, Jalil, Hadi Khaliqzadeh, Mohammad. (2024). An allegorical comparison of the poems of Kasdak Mehdi Akhwan sales, Taqi Motaqi, Mahmoud Kianoush and Sa'i Al Barid Blandal Haidari. *Journal of Pedagogic and Lyric in Persian Language and Literature*, 16(60), 76-93.



Creative Commons: CC BY-SA 4.0



Publisher: Islamic Azad University Bushehr Branch / No. 60/ Summer 2024

Receive Date: 08-02-2024

Accept Date: 19-05-2024

First Publish Date: 28-02-2024

مقاله پژوهشی: مقایسه‌ی تمثیلی اشعار قاصدک مهدی اخوان ثالث، تقی

متقی، محمود کیانوش و ساعی البرید بلندالحیدری

سارا وثوقیان منش^۱، جلیل نظری^۲، محمدهادی خالقزاده^۳

چکیده

قاصدک نماد و تمثیلی از وفاداری، صداقت و خوشبختی، پیام آوری و خوش‌خبری است. از آنجایی که میان شعرهای فارسی و عربی جنبه‌های مشترک بسیاری را می‌توان یافت؛ پژوهش حاضر با هدف بررسی مقایسه‌ی تمثیلی اشعار قاصدک مهدی اخوان ثالث، تقی متقی، محمود کیانوش، شاعران معاصر ایرانی و ساعی البرید بلندالحیدری، شاعر شناخته‌شده‌ی عراقی تحریر شده است. مسأله موردنظر این است که شاعران نام‌برده چه تمثیل‌هایی را در شعر قاصدک خود جای داده‌اند. نویسنده پس از بررسی، متوجه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در شعر قاصدک شاعران مورد نظر شد، که از دلایل ضرورت و اهمیت بررسی آن محسوب می‌شود تا بدانیم شاعران معاصر ایران و عرب شعر قاصدک خود را با چه نماد و تمثیلی‌هایی به ما می‌شناسانند. نوشتار حاضر کاملاً بکر و بدیع بوده و تاکنون نوشتاری در این خصوص به تحریر درنیامده است. بنابراین این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و بررسی اشعار این شاعران به صورت تحلیلی و توصیفی صورت گرفته است تا پژوهشگر بداند آیا در شعر قاصدک اخوان ثالث، تقی متقی، محمود کیانوش، شاعران ایرانی، و ساعی البرید بلندالحیدری، شاعر عراقی، تمثیل به‌کار برده شده است؟ آیا تمثیل‌ها و کارکرد آن‌ها در اشعار این شاعران یکسان است یا متفاوت؟ یافته‌های پژوهش حاکی از این می‌باشد که تمثیل بکار گرفته از قاصدک در اشعار شاعران متفاوت می‌باشد و هیچ‌کدام حامل یک خبر یکسان نیست. اخوان، تقی متقی و بلندالحیدری بر خلاف نماد بارز قاصدک یعنی خوش‌خبری، آن را تمثیلی از انسان مغموم و بدون امید می‌دانند.

واژگان کلیدی: اخوان ثالث، تقی متقی، محمود کیانوش، بلندالحیدری، تمثیل.

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران. Vesog1394@gmail.com

۲- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران. gnazary0034@gmail.com

۳- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران. asatirpars@yahoo.com

لطفاً به این مقاله استناد کنید: وثوقیان منش، سارا، نظری، جلیل، خالقزاده، محمدهادی. (۱۴۰۳). مقایسه‌ی تمثیلی اشعار قاصدک مهدی اخوان ثالث، تقی متقی، محمود کیانوش و ساعی البرید بلندالحیدری. *تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی*. ۱۶(۶۰)، ۷۶-۹۳.



حق مؤلف © نویسندگان.



ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر / شماره شصت / تابستان ۱۴۰۳ / از صفحه ۹۳-۷۶.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۳۰ تاریخ انتشار بر روی اینترنت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۲

مقدمه

بکارگیری تمثیل در اشعار شاعران امری اساسی و مهم بوده و شاعران معمولاً جهت بیان اغراض و اهداف سیاسی و اجتماعی و یا آموزشی خود از تمثیل بهره برده‌اند؛ زیرا با استفاده از تمثیل به صورت غیر مستقیم بهتر می‌توانستند به اهداف و اغراض خود دست یابند. هنگامی که نویسنده جهت استناد، مطلبی شبیه سخن اصلی می‌آورد تا همانندی و مقصود خود را به چیز دیگر نشان دهد به طوری که سخن مورد استناد، چندان معروف و شناخته شده نباشد می‌گوییم تمثیل یعنی مثل‌سازی به وجود آورده است. یکی از نمونه‌های تمثیل و نماد در جامعه‌ی ادبیات، بکارگیری از گل و گیاهان بوده است که در این میان قاصدک (سرده)، گیاهی گلدار است که به صورت نماد و تمثیلی از وفاداری، پیام‌آوری و صداقت در شعر شاعران بکارگرفته شده‌است.

مهدی اخوان ثالث، تقی متقی و محمود کیانوش، شاعران معاصر ایرانی و بلندالحیدری شاعر شناخته و معاصر عراقی نیز در اشعارشان جهت بیان اغراض نهانی خود از تمثیل استفاده کرده‌اند. قاصدک تمثیل و نمادی است که هر چهار شاعر، شعری را با بیانی تمثیلی و نمادی با این نام برگزیده و سروده‌اند. مهدی اخوان ثالث و بلندالحیدری شعر قاصدکشان را در زمان آشفتگی اجتماعی زمان خویش سروده‌اند و بنابراین سراسر شعر آنها را شکوه، ناامیدی و یأس فراگرفته است. تقی متقی و محمود کیانوش، شاعران معاصر کودک سرایی هستند که نیز شعری با نام قاصدک سروده‌اند اما بنا بر حسب حال کودکان، چندان شکوه و ناامیدی در شعرشان موج نمی‌زند؛ هر چند در شعر تقی متقی رگه‌هایی از ناامیدی موج می‌زند اما شعر محمود کیانوش شعری است سراسر شاد. در شعر شاعران مورد نظر گاهی واژه‌هایی سمبل و رمز هستند و از آنجایی که بعضی از بلاغیون سمبل را از تمثیل جدا نمی‌دانند و گاهی هم آنها را یکی می‌دانند نویسنده به آن می‌پردازد. هر چند که نام شعر هر چهار شاعر، قاصدک است اما قاصدک هر چهار شاعر باهم تفاوت‌هایی دارد و هیچ‌کدام حامل یک خبر یکسان نیست. نگارنده در این نگارش قصد دارد به بررسی تمثیلی شعر قاصدک در اشعار مهدی اخوان ثالث، تقی متقی، محمود کیانوش و بلندالحیدری بپردازد و تمثیل‌های بکار رفته در شعر هر چهار شاعر را با هم مقایسه کند و بیان کند که خود قاصدک چه پیامی را به ما می‌رساند.

بیان مسأله

برای تمثیل، تعریف‌های متعددی بیان شده است که با وجود گوناگونی بیان هر تعریف، می‌توان مفهومی یکسان و هماهنگ از آنها دریافت کرد.

تمثیل از نظر لغوی در فرهنگ دهخدا بدین صورت بیان شده است که: «مثل آوردن و تشبیه چیزی به چیز دیگر» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۰۰)

پس اگر بتوانیم سخنی مفید و پندآموز بیان کنیم که آن سخن خواه به صورت شعر باشد و خواه به صورت نثر، اما قابلیت تبدیل به مثل را داشته باشد و آن سخن در زمان خود و بعد از خود رایج شود و گسترش یابد، به آن تمثیل می‌گوییم.

واژه یا عبارتی که در معنای تمثیل بکار گرفته می‌شود باید بتواند واژه‌ی دیگر را به ذهن تبادر سازند و به‌گونه‌ای جانشین مفهوم و غرض اصلی نویسنده یا شاعر باشد.

شمیسا نظر خود در مورد تمثیل را اینگونه بیان می‌کند که: «تمثیل یا الیگوری^۱ روایتی است که در آن عناصر و عوامل و اعمال و لغات و گاهی زمینه اثر نه تنها به خاطر خود و در معنی خود بلکه برای اهداف و معانی ثانوی به کار می‌روند. به عبارت دیگر برخی از عناصر و واژگان، عناصر و واژگان دیگری را مُثَل می‌کنند.» (شمیسا، ۱۳۸۰: ۲۴۹)

اغلب کتاب‌های بلاغت فارسی برای تمثیل نظریه و تعریفی بیان کرده‌اند جز در دو کتاب حدائق‌السحر رشیدالدین وطواط (ف ۵۳۷ق) و ترجمان‌البلاغه اثر محمدبن عمر رادویانی (ف اواخر قرن پنجم).

در کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم (حدود ۳۵۵ق) نوشته‌ی شمس قیس رازی و بدایع‌الافکار فی صنایع‌الاشعار (ف ۹۱۰ق) نوشته‌ی کمال‌الدین واعظ کاشفی، تمثیل را به عنوان شاخه‌ای از استعاره دانسته‌اند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

همانطور که پیش‌تر بیان شد استفاده تمثیلی از گل و گیاه امری بوده و هست که شاعران از آن بهره‌های فراوان برده‌اند و یکی از انواع این گل‌ها، قاصدک است که نگارنده متوجه شعرهایی از شاعران مختلف ایرانی و غیرایرانی با نام قاصدک شد. بنابراین به بررسی تمثیلی شعرهایی با نام قاصدک در اشعار شاعران معاصر ایرانی همچون مهدی اخوان ثالث، تقی متقی و محمود کیانوش و شاعر عراقی بلندالحیدری پرداخته شد تا بدانیم آیا همه‌ی این شاعران، شعر قاصدک را به صورت تمثیلی سروده‌اند؟ همچنین بدانیم آیا شاعران شعر قاصدک را با یک معنای تمثیلی سروده‌اند یا برداشتی متفاوت از قاصدک دارند؟

¹ allegory

اهداف تحقیق

مقایسه‌ی تمثیلی اشعار قاصدک مهدی اخوان ثالث، تقی متقی، محمود کیانوش و ساعی البرید بلند الحیدری

- بررسی تمثیل‌های بکارگرفته در شعر قاصدک هر چهار شاعر مورد نظر.
- بررسی تفاوت‌های کاربرد تمثیلی قاصدک در شعر شاعران مورد بررسی.
- بررسی علت تفاوت کاربرد تمثیلی قاصدک در شعر شاعران مورد بررسی.

پرسش‌های تحقیق

آیا در شعر قاصدک مهدی اخوان ثالث، تقی متقی، محمود کیانوش و بلند الحیدری تمثیل بکار رفته است؟

هر کدام از شاعران چه تمثیل‌هایی را در شعرشان بکار برده‌اند؟

هدف هر کدام از شاعران در بکارگیری تمثیل در شعرشان چه بوده است؟

شباهت‌ها و تفاوت‌های تمثیل‌های بکاربرده در شعر قاصدک شاعران مورد نظر کدامند؟

علت تفاوت یا شباهت تمثیل‌های موجود در شعر هر چهار شاعر چه بوده است؟

پیشینه تحقیق

پژوهش جاضر، بر پایه مبانی ادبیات تطبیقی، به بررسی تمثیلی شعر قاصدک پرداخته است. که تاکنون پژوهشی در خصوص بررسی تمثیلی قاصدک در اشعار شاعرانی همچون: اخوان ثالث، تقی متقی، محمود کیانوش و بلند الحیدری انجام نگرفته است. درباره‌ی اشعار مهدی اخوان ثالث، تقی متقی، محمود کیانوش و ساعی البرید بلند الحیدری به‌طور جداگانه پژوهش‌هایی انجام گرفته است که اشاره به همگی آن‌ها، خارج از نیاز نوشتار حاضر است. بنابراین، در زیر تنها به چند نمونه که کم‌وبیش با موضوع حاضر در ارتباط است بسنده می‌کنیم:

- ربیعی و همکاران (۱۳۹۸)، نقد شعر قاصدک مهدی اخوان ثالث بر پایه نقد نو را مورد بررسی قرار داده‌اند و یافته‌های آنها حاکی از آن است که شعر قاصدک با بهره‌گیری از امکانات موجود در شگردهای زبانی، از جمله لحن و نواخت سخن، توانسته است فضایی را پیش چشم مخاطب مجسم سازد که دو اندیشه و گرایش متضاد را در کنار هم جمع می‌کند.

محلالتی (۱۳۹۴) در خلال بررسی ساختار بلاغی اخوان ثالث و بلندالحیدری، نومیدی را مضمون برجسته‌ی دو قصیده‌ی قاصدک اخوان ثالث و ساعی‌البرید دانسته و علت آن را به شباهت شرایط ایران و عراق در برهه‌ی زمانی خاصی پیوند داده است.

حسینی کازرونی و کیانی شاهوندی (۱۳۹۴)، بررسی سروده‌های تمثیلی مهدی اخوان ثالث (م. امید) در دو مجموعه شعر زمستان و آخر شاهنامه را مورد بررسی قرار داده اند و دریافته‌اند که شاعر در این دو مجموعه، به روش تازه دست یافته و اغلب شعرهای خود را به شیوه تمثیلی و روایی سروده است.

نجاریان و سرخی‌زاده (۱۴۰۰)، استعاره در اشعار کودکان محمود کیانوش و سلیمان‌العیسی را مورد بررسی قرار داده است و بیان می‌کند که شاعر از صورخیالی استفاده می‌کند که به سادگی در ذهن کودک رسوخ کند؛ به خصوص از جهت انواع استعاره‌های اسمی، فعلی، مصرحه و مکئیه. پژوهش و حوزه (۱۳۸۴)، جایگاه ادب‌ورزی و شعر کودک در حوزه، در خصوص گفت‌وگو با تقی متقی صورت گرفته که در این نوشتار، بیوگرافی و آثار شاعر از زبان خود او بیان شده است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی و با روش کتابخانه‌ای و به صورت فیش‌برداری اجرا می‌شود. پژوهشگر پس از بررسی مطالب و متون مختلف به جمع‌آوری داده‌ها و طبقه‌بندی داده‌ها و در ادامه پس از آنکه داده‌ها مورد بررسی قرار گرفت به تحلیل آنها و در نهایت به نتیجه‌گیری پرداخته است.

بررسی و بحث

از آنجایی که پژوهش مورد نظر به بررسی تمثیلی شعر قاصدک مهدی اخوان ثالث، تقی متقی، محمود کیانوش و بلندالحیدری اختصاص داده شده است لازم و بایسته است در ابتدا هر چهار شاعر را به طور کلی و مختصر معرفی نماییم.

مهدی اخوان ثالث

مهدی اخوان ثالث (م. امید) از برجسته‌ترین شاعران معاصر و موفق‌ترین رهروان شعر نیمایی و از پیشروان شعر امروز، به‌ویژه شعر نو حماسی و اجتماعی است. وی با زبانی برگرفته از سبک خراسانی

و با پیوند آن با زبان رسمی و ادبی معاصر و آفرینش ترکیب‌های زبانی نوآیین و وصف‌های گسترده و بهره‌گیری از تمثیل‌ها و با تکیه بر میراث فرهنگی و اساطیر ایرانی و بیان گزارشی و روایی خود، در میان معاصران نوپرداز، سبکی ویژه و ممتاز دارد؛ زبان سروده‌های او، زبانی حماسی و شکوهمند است که هم از زبان گویندگان خراسان دیروز مایه گرفته و هم مایه‌هایی از زبان مردم امروز و شعر نیما را در خود دارد؛ و از این جهت، می‌توان او را پیشوای سبک خراسانی نو نامید. (حسینی‌کازرونی و کیانی شاهوندی، ۱۳۹۴: ۳۰)

بلندالحیدری

عراق، شاعران معاصر بلندآوازه‌ای را در خود جای داده است که نام بعضی از آن‌ها خارج از وطن خودشان به گوش دیگر ملت‌ها هم رسیده است.

بلندالحیدری از پیشگامان جنبش نوگرایی در شعر معاصر عراق به شمار می‌رود، در سال ۱۳۰۵ شمسی (۱۹۲۶م.) در بغداد متولد شد. وی علاوه بر سرودن شعر، در هنرهای تجسمی نیز صاحب‌نام بود. در سال ۱۹۹۵ میلادی مجله الفصول الأربعة را منتشر کرد و در سال ۱۹۵۹ میلادی، سردبیری مجله کانون ادبای عراق را بر عهده داشت. سپس وی عازم لبنان شد و به تدریس زبان عربی پرداخت. در لبنان علاوه بر تدریس، سردبیری دو مجله مهم العلوم و آفاق عربیه را پذیرفت. الحیدری مدتی در بیروت ماند و پس از آن، به لندن عزیمت کرد و تا آخر عمر در آنجا مستقر شد.

از جمله آثار شعری وی می‌توان بدین موارد اشاره کرد: خفقه‌الطین (تپش گل) (۱۹۴۶م.)، أغانی‌المدينه‌المیته (ترانه‌های شهر مرده) (۱۹۵۲م.)، جئتم مع‌الفجر (با سپیده‌دمان آمدید) (۱۹۶۱م.)، أغانی‌الحارس‌المتعب (ترانه‌های نگهبان خسته) (۱۹۷۷م.)، أبواب‌الی‌البیت‌الضیق (درهایی برای خانه‌ی تنگ) (۱۹۹۰م.) و...

سرانجام بلندالحیدری در سال ۱۳۷۵ شمسی (۱۹۹۶م.) در لندن جان سپرد. (محلاتی، ۱۳۹۴: ۶۶)

بلندالحیدری با اولین دیوان خود (خفقه‌الطین) توانست استعداد شعری خود را نمایان سازد. بنابه‌گفته‌ی مارون عبود، منتقد بزرگ لبنانی، الحیدری با این دیوان، خود را از شاعران آینده‌دار عراق معرفی کرد و او همان شاعر رؤیایی بغداد است که در آینده از او بسیار نام خواهیم برد. (ر.ک؛ عبود، ۱۹۶۶م: ۸۹)

تجربه‌ی شعری بلندالحیدری، همانند دیگر شاعران مراحل مختلفی داشته است. وی در اشعار آغازین خود رنگ انزواطلبی و تنهایی، عصیانگری، نافرمانی، سردرگمی و حیرت به خود گرفته، اما پس از این

به مشکلات گوناگون جامعه و میهن خویش پرداخته است و به مسائل اخلاقی و انسانی تعهد و پایبندی نشان داده است. (رو. ک. قَبَش، ۱۹۷۱م: ۶۸۲).

تقی متقی

تقی متقی از شاعران و محققان ادبی حوزه است او در سال ۱۳۴۰ در خشکیبار از توابع شهرستان رشت به دنیا آمد. و « سال‌هاست که در زمینه‌ی شعر و ادبیات کودک، فعالیت می‌کند. مسئولیت کتابخانه‌ی ادبی آیت‌الله سیستانی، عضویت در انجمن قلم حوزه و انجمن نویسندگان کودک و سردبیری مجله‌ی فرهنگ جهاد، پاره‌ای از فعالیت‌های مؤثر وی در سال‌های اخیر است. (پژوهش و حوزه، ۱۳۸۴: ۳۰۹)

علاوه بر مقالات بسیار، کتاب‌های زیر از وی منتشر یافته است:

افلاکی خاکی، - ما آن شقایقیم - گل، باد، باران - چشم در چشم سکوت - دنیای اسلام و تهاجم فرهنگی غرب، بزغاله خانم - ابرهای دوره‌گرد شاعرند، مشعل‌های شعله‌ور، گل آغاز بهار، آوازهای ارغوانی، علمداران سرفراز، ۵۹ نکته درباره‌ی امام زمان (عج) (همان)

محمود کیانوش

محمود کیانوش شاعری نام‌آشنا برای کودکان ایران زمین، در سال ۱۳۱۳ در مشهد مقدس متولد شد. «او از جمله کسانی به شمار می‌رود که بذریع شعر کودک را در ایران پاشید.» (صادق‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۶۵)، «پدر و مادرش بی‌سواد، اما هر دو با فرهنگ و پرهیزگار بودند. پدرش مخالف مدرسه رفتن او بود و بر این باور بود که پسرش برای عالم شدن باید به نجف برود، اما با میانجی‌گری مادر به مدرسه رفت. در سال‌های نوجوانی کیانوش به تهران آمدند و او در این شهر به دبیرستان رفت. سپس به دانشسرای مقدماتی رفت. پس از اتمام، آموزگار دبستان شد. نوشتن داستان، سرودن شعر و ترجمه از علایق او بود. او بعد ها که به خاطر ورود به رشته زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه تهران، متجمعی توانمند و مشهور شد. وی سرودن غزل‌های عاشقانه را از ششم ابتدایی و گفتن شعر نو و داستان‌های کوتاه را از دوم متوسطه آغاز کرد.» (کیانوش، ۱۳۵۳: ۳)

محمود کیانوش در سال ۱۳۵۵ ایران را ترک کرد و به انگلستان رفت و سرانجام در سال ۱۳۹۹ در انگلستان درگذشت.

محمود کیانوش در بکارگیری مضمون و محتوا، شرایط روحی روانی، میزان درک و اوضاع و احوال مخاطبش را کاملاً در نظر دارد و علت ماندگاری و دلنشینی اشعارش نیز همین می‌تواند باشد. از نظر او:

«اجزای مضامین در شعر کودک، اجزای زندگی واقعی اوست، کودکان هرچه خردسال‌تر باشند، در زندگی آن‌ها انتزاع کمتر جای دارد. برای آنها هرچیز همان است که می‌بینند و احساس می‌کنند. هنوز تجربه‌های زندگی آن‌ها را نیاکنده است با این آکندن، سلسله‌ی پایان‌ناپذیر تداعی معانی را به ذهن آن‌ها نپیوسته است تا یک چیز، یا یک مفهوم، برای آن‌ها خیلی چیزها و خیلی مفهوم‌ها باشد. با طبیعت و واقعیات بلاواسطه رو در رو هستند و میان هوش و حواس آن‌ها و مجموعه‌ای که برای ما بزرگسالان زندگی نام دارد، آن‌همه آگاهی و تجربه، یا به طور کلی تاریخ انسان قرار نگرفته است.» (کیانوش، ۱۳۷۹: ۹۶)

«کیانوش در زمینه‌های گوناگون فعالیت داشته و آثار مختلفی را قلم‌زده و اشعار فراوانی سروده است. او از پیشگامان شعرهای مثنوی آهنگین است و مجموعه شعرهای آهنگینش با عنوان شکوفه‌ی حیرت (۱۳۳۸-۱۳۳۴) انتشار یافت.» (نجاریان، سرخی‌زاده، ۱۳۹۹: ۲۵۷) تعدادی از آثار او عبارتند از: شبستان، ساده و غمناک، آب‌های خسته، قصیده‌ای برای همه، شب‌ویز، از پنجره تاج محل، ماه و ماهی در چشمه‌ی باد و ...

بررسی تمثیلی قاصدک مهدی اخوان ثالث

در آغاز شعر، شاعر با خطاب قرار دادن قاصدک، مخاطب را به اندیشه وامی‌دارد که قاصدک کیست و تمثیل از چه کسی است که به راحتی می‌توان دریافت قاصدک در این شعر نماد و تمثیلی از فرد آزادی‌خواهی است که شاعر انتظار شنیدن خبر خوب را از او دارد اما خود شاعر تمثیل از تمامی افرادی است که به خاطر ظلم و ستم حاکم در جامعه، انتظار شنیدن هیچ‌گونه خبر خوبی از هیچ یار و جوانمرد و سرزمینی را ندارد:

قاصدک! هان، چه خبر آوردی؟

از کجا وز که خبر آوردی؟

خوش خبر باشی، اما اما

گرد بام و در من،

بی‌ثمر می‌گردی

انتظار خبری نیست مرا
نه ز یاری نه ز دیار و دیاری، باری،

و در ادامه مخاطب را به بازگشت به نزد کسانی که هنوز امیدوار هستند و انتظار شنیدن خبر خوب را دارند دعوت می‌کند:

برو آنجا که بَوَد چشمی و گوش‌ی با کس
برو آنجا که تو را منتظرند
و در ادامه می‌خوانیم که:

«گرد بام و در من

بی‌ثمر می‌گرددی»

شاعر در عبارت بالا با نگاهی تمثیلی عمل قاصدک را بیهوده و پوچ و همانند آب در هاون کوبیدن تلقی می‌کند.

و در ادامه می‌گوید:

«قاصدک!

در دل من همه کورند و کردند»

که در این‌جا "دل" تمثیلی از جامعه‌ای است که بر اثر ظلم زیاد سراسر کور و کر هستند. این شهر کوردلان و ناشنویان هیچ چیز را نمی‌بینند و نمی‌شنوند و برداشت آنها همان چیزی است که در اول دیده و شنیده‌اند.

در نهایت از قاصدک درخواست می‌کند که:

«دست بردار ازین در وطن خویش غریب»

شاعر در عبارت فوق غریب بودن در وطن خویش را ذکر می‌کند و از این وضعیت احساس ناراحتی و نارضایتی دارد و گویا غیرمستقیم و با بیانی تمثیلی به سخن حضرت علی اشاره می‌کند که می‌فرماید:

لاخبر فی الوطن الامن و المسره (خیری نیست در وطن مگر با امنیت و خوشی).

قاصد تجربه‌های همه تلخ

با دلم می‌گویند

که دروغی تو، دروغ

که فریبی تو،، فریب

قاصدک هان، ولی...آخر...ای وای

راستی آیا رفتی با باد؟

با توام، آی! کجا رفتی؟ آی

در عبارت فوق، شاعر از قاصدک پرسش می‌کند که آیا با باد رفته‌ای؟ که باد تمثیلی است از یک رابط و پیغام‌رسان در حال تردد که قاصدک با آن جابجا می‌شود و خبرها را به دیگران می‌رساند.

و در عبارت «راستی آیا جایی خبری هست هنوز؟ / مانده خاکستر گرمی، جایی؟

در اجاقی طمع شعله نمی‌بندم، خردک شرری هست هنوز؟»

عبارت خاکستر گرم، اجاق و شرر تمثیلی و نمادی از امیدواری، روشنایی و دلگرمی به زندگی است که شاعر به قاصدک می‌گوید من امید و انتظار نور و روشنایی و دلگرمی چشمگیری را ندارم بلکه به وجود اندکی از آن دلخوشم و آیا پیدا می‌شود و تأکید بر وجود خردک شرر که تمثیلی از دلگرمی اندک است می‌کند.

و در ادامه شاعر هنجارشکنی کرده و ابر که تمثیلی از شخص مثرثمر و شادابی است را تمثیل از فردی مغموم و دلشکسته دانسته که دائم در حال گریه است.

قاصدک!

ابرهای همه عالم شب و روز

در دلم می‌گیرند.» (اخوان ثالث، ۱۳۸۴: ۱۳۸-۱۳۶)

در این شعر که از سروده‌های مجموعه‌ی آخر شاهنامه اخوان ثالث است اندیشه‌های امید نداشتن و شکست، حسرت و پوچی موج می‌زند و تمامی شعر و پرسه‌زدن ناامیدی در آن تمثیلی از جامعه‌ی خفقان‌بار و ترسناکی است که تمامی آمال و آرزوهای مردمان آن از بین رفته و فقط خاکستری از آن باقی مانده است.

در این شعر قاصدک تمثیل و نمادی از فردی غم‌زده و ناامید است که از هیچ جا انتظار و امید شنیدن خبر خوش را ندارد و فقط تجربه‌های تلخ با او صحبت می‌کنند و او را به باور نداشتن شنیدن خبر خوب تشویق می‌کنند و هرچند گاهی دلش می‌خواهد خبری خوش را بپذیرد و امیدوار باشد اما برایش قابل قبول نیست.

اخوان ثالث در معرفی قاصدک و بیان علت نامیدن این شعر با این نام می‌گوید: «قاصدک تخم نوعی نی است که در کنار جویبارهای بیشه‌ها و بیابان‌ها می‌روید. بس که سبک است، باد و حتی امواج ضعیف هوا، این سو و آنسوی می‌بردش. عامه‌ی مردم توس (مشهد) آنرا خبرکش می‌نامند و می‌پندارند

که از جایی ناشناخته یا از مسافر یا کسی دورافتاده خبر می‌آورد. از این رو، می‌نوازندش و می‌گویند: «خبرکش! صفا آوردی، خوش خبر باشی». و به او پیغام می‌دهند که ببرد، آزادش می‌کنند. نیز معتقدند که خبرکش اگر در گوش کسی برود، کر می‌کند. فارسی‌ها و تهرانی‌ها به آن قاصدک می‌گویند، با همان اعتقادات، از اسم قاصدک برای این موسوم خوشتر آمد.» (اخوان‌ثالث، ۱۳۸۴: ۱۳۸)

بررسی قاصدک تقی متقی

قاصدک جان! قاصدک!

بال خود را باز کن

مثل این گنجشک‌ها

در هوا پرواز کن (متقی، ۱۳۸۲: ۱۱).

در آغاز شعر با بیان واژه‌هایی همچون بال، گشودن و گنجشک، به طور تمثیلی و نمادی، قاصدک را به سمت آزادی و وفاداری فرامی‌خواند. زیرا عصفور که در فارسی آن را گنجشک می‌خوانیم پرنده‌ای است «کوچک با منقار کلفت و مخروطی و پاهای کوتاه که اغلب پر و بال آنها رنگارنگ نیست» (اسکات، ۱۳۵۴: ۳۲۸) این پرنده در ادبیات با معانی نمادین و تمثیلی زیادی بکارگرفته شده است. برخی «گنجشک را نماد وفاداری دانسته‌اند» (هال، ۱۳۸۰: ۹۰) و گاهی «گنجشک را نماد باروری دانسته‌اند، این پرنده در افسانه‌های یونان با افرویدیت، الهه عشق، مرتبط بوده و مقدس است.» (بروس میت فورد، ۱۳۸۸: ۶۸)

پس در این جا گنجشک را می‌توان تمثیل و نمادی از وفاداری و باروری دانست که شاعر می‌خواهد قاصدکش را به این اعمال وادارد.

متقی، با استفاده از آرایه‌ی تشبیه اضافی، باد را که نماد و تمثیل پیام‌آوری است در شعر خود جای داده است و به قاصدک می‌گوید تو از وظیفه اصلی خود که پیام‌آوری است دور مانده‌ای و بهتر است که به کارت ادامه دهی:

از قطار تند باد

بی‌خبر، جا مانده‌ای

دوستانت رفته‌اند

آه تنها مانده‌ای (متقی، ۱۳۸۲: ۱۱).

شاید افتادی زمین

دست یا پایت شکست

یا که شاید قلک

آرزوهایت شکست

قاصدک! چیزی بگو

اخم خود را باز کن

این تو و این پنجره

پس بیا پرواز کن. (همان).

و در پایان شعر با به‌کاربردن کلماتی همچون پنجره و پرواز کردن که تمثیلی از رهایی و نجات است قاصدک را به این امر فرامی‌خواند:

قاصدک! چیزی بگو / اخم خود را باز کن

این تو و این پنجره / پس بیا پرواز کن. (همان).

و می‌توان گفت پنجره در این‌جا نماد و تمثیل زیبا دیدن پدیده‌هاست و شاعر مخاطبش را به امیدواری و زیبا دیدن فرامی‌خواند.

شعر قاصدک تقی متقی شعری است که در حیطه‌ی کودکان سروده شده است و چنانچه از فضای کلی شعر درمی‌یابیم شاعر قاصدکی را مورد خطاب قرار می‌دهد که تمثیلی از افراد تنها و جا مانده از یاران می‌باشد. در کل شعر با بیان امری، قاصدکی که وظیفه‌ی اصلی خود یعنی خوش‌خبری را از یاد برده است به آزادی و شادی فرامی‌خواند.

بررسی قاصدک محمود کیانوش

قاصدک، راست بگو، / از کجا آمده‌ای؟

با چه پیغام خوشی / نزد ما آمده‌ای؟

ای که بر اسب نسیم / می‌شوی نرم سوار،

می‌کنی با دل شاد / همه جا گشت و گذار،

همه در خانه‌ی خود / می‌پذیریم تو را؛

می‌دویم از پی تو / تا بگیریم تو را.

ولی از بس سبکی / می‌روی با نفسی؛

خوش نداری که خورد / بر تنت دست کسی.

هست تا اسب نسیم / روز و شب در سفری؛

می‌روی کوی به کوی، / قاصدی خوش خبری. (کیانوش، ۱۳۹۳: ۸۴)

شاعر در این شعر نسیم را به اسبی تشبیه کرده است که با آرامی به حرکت خود ادامه می‌دهد و در واقع می‌توان چنین گفت که نسیم در این شعر نماد و تمثیلی از انسان‌های آزاد و وارسته می‌باشد که به‌خوبی در هر جا گشت‌وگذار کرده و همه آنها را دوست دارند.

ای که بر اسب نسیم / می‌شوی نرم سوار،

می‌کنی با دل شاد / همه جا گشت و گذار

همچنین اسب نماد و تمثیلی از باوفایی و همدم بودن است و سوار بر اسب بودن به مفهوم پیروزی اشاره دارد.

«اسب در اسطوره‌های روسی و حتی در اسطوره‌های جهان، همواره نمادی مثبت بوده و هیچ‌گاه از آن به عنوان موجود اهریمنی یاد نشده است؛ غالباً با نور همراه بوده و مخالف جهان پلیدی‌هاست. اسب در روسیه نماد موفقیت، ثروت، نیک‌نامی و سعادت است. و در آداب و رسوم باستان اسلاوی گاه مظهر مرگ و رستاخیز و گاه نماد ارتباط با ماوراء جهان نور بوده است.» (صادقی سهل‌آباد؛ عبدلی، ۲۰۱۹: ۸)

در شعر فوق که برای کودکان سروده شده است قاصدک نماد و تمثیلی از فردی شاد و خوشحال است که به هر جای سفر می‌کند و همه خواهان او هستند.

بررسی ساعی البرید بلندالحیدری

شاعر در عبارت زیر قاصدک را سرزنش کرده و ناامیدی‌اش را به او گوشزد می‌کند:

«ساعی البرید! (ای نامه‌رسان!) ← ماذا تریئ...؟ (چه می‌خواهی...؟)

أنا عن الدنيا بمنأى بعيد (من از دنیا دورم). اخطأت... (اشتباه کردی...).

لاشک، فما من جدید (بی‌گمان خبر تازه‌ای نیست).

تحمله الأرض لهذا الطریئ (که این سرزمین برای این آواره حمل می‌کند).

ماکان (او هنوز هست). مازال علی عهد (همچون گذشته)

یحلم (آرزو می‌کند). أو یدفن (یا خاطراتش را به گور می‌برد).

أو یستعیئ (یا گذشته‌اش را به یاد می‌آورد).

و لم تزل للناس أعیادهم (مردم نیز عیدهای خود را دارند).

ومأتم یربط عیداً بعید (و سوگواره‌ای که عیدها را پیوند می‌دهد).

أعینهم تنبش فی ذهنهم (چشمانشان، ذهنشان را می‌کاود).
 عن عظمه أخری لجوعٍ جدید (به دنبال استخوانی برای گرسنگی جدید).
 دیوار چین نیز در این شعر تمثیل و نماد از رنج و زحمت است که همیشه پابرجاست و امیدی برای از
 بین بردنش نیست :

و لم تزل للصین من سورها (دیوار چین نیز
 اسطوره‌ی تمحی (مانند اسطوره‌ای که از ذهن پاک می‌شود).
 و دهر یعیئ (و روزگار او را بازمی‌گرداند).

و در ادامه شاعر از فردی به نام سیزیف یاد می‌کند که خود تمثیل از کارهای بیهوده و بی‌سرانجام
 است زیرا «سیزیف شخصی است که مورد غضب و خشم الهه قرار گرفت و مادم‌العمر محکوم به
 انجام کاری بیهوده و پوچ شد که همان غلتاندن تخت سنگی عظیم از دامنه‌ی کوه به طرف قلّه و رها
 کردن آن و تکرار این کار تا آخر عمر. (ر.ک؛ گریمال، ۱۳۴۱، ج ۲: ۸۳۶)
 و لم یزل للأرض سیزیفها (سیزیف این سرزمین پابرجاست).
 و صخره (وسنگی که) تعجیل ماذا ترید؟ (نمی‌داند چه بخواهد).

ساعی البرید (ای نامه‌رسان!).
 أخطأت... (اشتباه کردی...). لاشک، فما من جدید (بی‌گمان خبر تازه‌ای نیست).
 وُعِد مع الدرب و یا طالما (از همان راهی که آمدی، بازگرد، چه بسیار...)
 جاء بک الدرب (راه ترا آورده است). و ماذا ترید...؟ (چه می‌خواهی...؟) « (الحیدری، ۱۹۹۲م:
 ۲۱۵-۲۱۳)

بلندالحیدری این شعر را در سال ۱۹۵۱ میلادی در دیوان آغانی‌المدینه‌المیته چاپ نمود. «عراق در
 دوران سرودن شعر ساعی البرید تحت قیمومیت انگلیس به صورت نظام پادشاهی اداره می‌شد. در این
 دوران، نهضت‌ها و قیام‌های خونینی علیه استعمارگر انگلیس به پا خاست و تعداد بی‌شماری از
 دانش‌آموزان و دانشجویان در تظاهرات ضد استعماری جان باختند و بسیاری از مردم ستم‌دیده و

بی‌دفاع عراق به وسیله سیاست‌های ظالمانه و اقدامات سرکوبگرانه‌ی انگلیس، آواره و بی‌خانمان شدند.» (محلّاتی، به نقل از اسود، ۱۳۹۴: ۷۳)

پس این شعر قاصدک به طور کل تمثیل از فردی است که احساس ناامیدی و پوچی از دنیایی سراسر ستم و بیدادگری را دارد.

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌هایی تمثیلی که در شعرهای قاصدک شاعرانی ایرانی و معاصر همچون مهدی اخوان‌ثالث، تقی متقی، محمود کیانوش و شاعر عراقی بلندالحیدری صورت گرفت؛ نگارنده در این پژوهش به مطالب زیر دست یافت:

هر سه شاعر ایرانی و شاعر عراقی شعر قاصدک خود را با بیانی نمادین و تمثیلی به‌کار برده‌اند. هر چند شاعران، نمادهای و تمثیل‌های متفاوتی را در شعر بکار گرفته‌اند اما شعر شاعرانی همچون اخوان‌ثالث، تقی متقی و بلندالحیدری بیانگر دوران غم و ناامیدی زمان و وضعیت خود شاعر بوده ولی محمود کیانوش شعر قاصدک خود را با بیانی شاد و امیدوارانه ذکر نموده که شاید به خاطر سرایش این شعر برای کودکان و دوران بعد از انقلاب بوده است. در این میان محتوای شعر اخوان‌ثالث و بلندالحیدری شباهت بیشتری به هم داشته و علت وجود این شباهت وضعیت نابسامان و آشفته‌ی جامعه‌ی هر دو شاعر در زمان سرایش این شعر بوده است.

به طور کل واژه‌ها و عباراتی که در شعر هر چهار شاعر جهت بیان تمثیلی بکار گرفته شده است کاملاً با یکدیگر متفاوت می‌باشند و فقط در یک مورد اخوان‌ثالث و بلندالحیدری عبارات و کلماتی متفاوت با معنای تمثیلی یکسان ذکر کرده‌اند. از لحاظ میزان بسامد تمثیل‌هایی که شاعران در شعر خود جای داده‌اند تقی متقی بیشترین بسامد را در بکارگیری عبارات و کلمات تمثیلی دارد و سپس به ترتیب اخوان‌ثالث، محمود کیانوش و بلندالحیدری از بیشترین تا کمترین میزان بسامد برخوردار هستند.

منابع و مأخذ

اخوان‌ثالث، مهدی، (۱۳۸۴)، آخر شاهنامه، تهران: زمستان.

اسکات، درک و حسین مروج همدانی و دیگران، (۱۳۵۴)، پرنندگان ایران، تهران: سازمان حفاظت محیط زیست.

بروس میت‌فورد، مبراندا، (۱۳۸۸)، فرهنگ مصور نمادها و نشانه‌ها در جهان، مترجمان: ابوالقاسم دادور و زهرا تاران، چ ۱، تهران: کلهر.

پژوهش و حوزه، (۱۳۸۴)، جایگاه ادب‌ورزی و شعر کودک در حوزه، پاییز و زمستان، شماره ۲۳ و ۲۴ صص ۳۰۹-۳۱۵

حسینی‌کازرونی، احمد؛ کیانی‌شاهوندی، یعقوب، (۱۳۹۴)، بررسی سروده‌های تمثیلی مهدی اخوان‌ثالث (م. امید) در دو مجموعه شعر زمستان و آخر شاهنامه، فصل‌نامه تخصصی تحلیل متون زیان و ادبیات فارسی شماره ۲۴، صص ۴۷-۲۹

الحیدری، بلند، (۱۹۹۲م)، الأعمال الكاملة للشاعر بلندالحیدری، القاهرة: دار سعاد الصباح.

دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۸۸)، فرهنگ لغت، تهران: نشرمرورید.

شمیسا، سیروس، (۱۳۸۵)، معانی و بیان، تهران: میترا، چ دوم.

صادق‌زاده، محمود، (۱۳۹۲)، بررسی اشعار تعلیمی کودک و نوجوان در ادبیات معاصر، پژوهش‌نامه‌ی ادبیات تعلیمی، سال پنجم، شماره هفدهم، صص ۱۹۰-۱۵۷

صادقی سهل‌آباد، زینب؛ عبدلی، معصومه، (۲۰۱۹)، اسب در ادبیات فارسی و روسی، فصلنامه هنر زبان، دوره چهار، شماره ۲، صص ۲۴-۷

عبود، مارون، (۱۹۶۶م)، دمقس و ارجوان، بیروت: دارالثقافه.

قتبش، احمد، (۱۹۷۱م)، تاریخ الشعر العربی الحدیث، دمشق: مؤسسه‌النوری.

متقی، تقی، (۱۳۸۲)، گل، باد، باران، تهران: قو.

محلانی، حیدر، (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی شعر قاصدک اخوان‌ثالث و ساعی البرید بلندالحیدری، نشریه پژوهش‌های تطبیقی زبان و ادبیات ملل: شماره ۱، صص ۸۴-۶۵

کیانوش، محمود، (۱۳۹۱)، بچه‌های جهان، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

نجاریان، محمدرضا، سرخی‌زاده، زهره (۱۳۹۹)، استعاره در اشعار کودکان‌های محمود کیانوش و سلیمان العیسی، پژوهش‌های دستوری و بلاغی، سال ۱۱ شماره ۱۹ (صص ۲۷۶-۲۵۳)

هال، جیمز، (۱۳۷۱)، فرهنگ خرافات: عجیب‌ترین خرافات مردم جهان، ترجمه و گردآوری احمد حجازان، چ ۱: چاپخانه موفق.

References

- Akhwan Thalath, Mahdi, (2004), the last part of the Shahnameh, Tehran: Zimfar.
- Scott, Derek and Hossein Morouj Hamdani and others, (1354), Birds of Iran, Tehran: Environmental Protection Organization.
- Bruce Mitford, Mebranda, (1388), illustrated culture of symbols and signs in the world, translators: Abolqasem Dadour and Zahra Taran, Ch1, Tehran: Kalhor.
- Research and field, (2004), the place of children's literature and poetry in the field, Autumn and Winter, No. 23 and 24, pp. 315-309
- hosseini-Kazroni, Ahmed; Kayani-Shahundi, Yaqub, (2014), review of the allegorical poems of Mahdi Akhwan Thalath (M. Amid) in two collections of poetry, Winter and

- the end of the Shahnameh, a specialized quarterly for the analysis of Zayan texts and Persian literature, number 24, pp. 29-47
- Al-Haydari, Boland, (1992), Works of the poet Boland Al-Haydari, Cairo: Dar Saad al-Sabah.
- Dekhoda, Ali-Akbar, (1388), Dictionary, Tehran: Morvarid Publishing House.
- Shamisa, Siros, (1385), Maani wa Bayan, Tehran: Mitra, second edition.
- Qobbash, Ahmad, (1971), History of Arabic Poetry and Hadith, Damascus: Al-Nuri Institute. Al-Nuri Institute
- Abboud, Maron, (1966), Damascus and Arjovan, Beirut: Dar al-Thaqfa.
- Sadeghzadeh, Mahmoud, (2012), a review of educational poems for children and adolescents in contemporary literature, Research Journal of Educational Literature, 5th year, 17th issue, pp. 157-190
- Sadeghi Sahlabad, Zainab; Abdoli, Masoumeh, (2019), Horse in Persian and Russian literature, Art Language Quarterly, Volume Four, Number 2, pp. 7-24
- Motaghi, Taghi, (1382), Flower, Wind, Rain, Tehran: Qo.
- Mahalati, Heydar, (2014), comparative study of the poem of Kasdak of Akhwan Thalath and Sa'i Al-Barid Bland Al-Haydari, Comparative Researches of the Language and Literature of Nations: Issue 1, pp. 65-84.
- Kianoosh, Mahmoud, (2012), Children of the World, Tehran: Center for Intellectual Development of Children and Adolescents.\
- Najarian, Mohammad Reza, Sarkhizadeh, Zohra (2019), Metaphor in the children's poems of Mahmoud Kianoosh and Suleiman Al-Eisa, Grammatical and Rhetorical Researches, Year 11, Number 19 (pp. 253-276)
- Hall, James, (1371), The Culture of Superstitions: The Strangest Superstitions of the People of the World, translated and compiled by Ahmad Hajjaran, Ch1: Mawafaq Printing House.